

# دیزاین + انسان شناسی

این کتاب ترجمه‌ای است از:

***Design + Anthropology***

***Converging Pathways in Anthropology and Design***

Christine Miller

Routledge, 2018



# دیزاین + انسان شناسی

کریستین میلر

ترجمه هادی آقاجانزاده، آرش حسن پور

دیزاین + انسان شناسی

کریستین میلر

ترجمه هادی آقاجانزاده، آرش حسن پور

ویرایش محمد افتخاری

لیتوگرافی، چاپ و صحافی واژه پرداز اندیشه

چاپ اول ۱۴۰۱

نشر مشکی . تهران

www.meshkipublication.com

info@meshkipublication.com

@meshkipublication

@meshki\_pub

همه حقوق برای ناشر محفوظ است. تکثیر یا تولید همه یا بخشی از کتاب به هر صورت (انتشار الکترونیکی، چاپ، فتوکپی، تصویر، صوت) بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع است.



دیزاین مشکی / ۲۱

سرشناسه: میلر، کریستین زد.

Miller, Christine, (Christine Z.)

عنوان و نام پدیدآور: دیزاین + انسان شناسی / کریستین میلر؛ ترجمه هادی آقاجانزاده، آرش حسن پور؛ ویرایش محمد افتخاری.

مشخصات نشر: تهران: نشر مشکی، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۲۴۰ ص. مصور.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۶۹-۸۱-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: *Design + anthropology: converging pathways in anthropology and design, 2017.*

یادداشت: واژه نامه.

یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۳۱-۲۴۰.

موضوع: طراحی - جنبه های انسان شناسی / Design - Anthropological aspects

طراحی - عوامل انسانی / Design - Human factors

هنر و انسان شناسی / Art and anthropology

هنر و طراحی / Art and design

شناسه افزوده: آقاجانزاده، هادی، ۱۳۶۶-، مترجم

شناسه افزوده: حسن پور، آرش، ۱۳۶۷-، مترجم

رده بندی کنگره: NK15۲۰

رده بندی دیویی: ۷۴۵/۴

شماره کتابشناسی ملی: ۸۶۵۹۴۲۷

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

فهرست

مقدمه مترجمان / ۹

پیش‌درآمد / ۱۱

مقدمه / ۱۵

۱. بیگانه‌سازی امر آشنا؛ آشناسازی امر بیگانه / ۲۷

۲. ریشه‌های دیزاین / ۷۳

۳. عملیاتی‌سازی انسان‌شناسی دیزاین / ۱۲۷

۴. ترسیم انسان‌شناسی دیزاین / ۱۶۱

۵. مؤخره، تأملات نهایی ... برای زمان حال / ۲۰۳

یادداشت‌های نویسنده / ۲۱۱

یادداشت‌های مترجمان / ۲۱۸

اصطلاحات فارسی-انگلیسی / ۲۲۱

اصطلاحات انگلیسی-فارسی / ۲۲۴

نام‌نامه‌گزیده / ۲۲۷

منابع / ۲۳۱

«انسان‌شناسی دیزاین»، یا به تعبیر دقیق‌تر «انسان‌شناسی دیزاینی»، حوزه شناخته شده‌ای در ایران نیست. در نگاه نخست، دو جزء بر سازنده این میان‌رشته نوظهور، یعنی «انسان‌شناسی» و «دیزاین»، آن‌چنان از یکدیگر دور به نظر می‌رسند که یافتن زمینه‌های همکاری و پیوند میان آن‌ها دشوار و چه بسا محال به نظر می‌رسد. کتابی که پیش روی شماست، می‌کوشد مرزبندی‌های قاطع رشته‌ای را کنار بگذارد و تحولات هر دو رشته را در مواجهه با یکدیگر توضیح دهد. این مواجهه به تدریج معناها و کارکردهای شناخته شده در هر دو حوزه را دستخوش تغییر می‌کند؛ به نحوی که «مردم‌نگاری» در «انسان‌شناسی دیزاین»، دقیقاً همان طنین و کاربردی را که در «انسان‌شناسی» داشته است، ندارد. این کتاب راهنمایی قابل اعتنا برای کسانی است که می‌خواهند روش‌ها و حساسیت‌های مردم‌نگارانه را به محیط‌های حرفه‌ای و عرصه‌هایی چون شرکت‌ها و مؤسسات تجاری و صنعتی بکشانند. همچنین برای علاقه‌مندان به حوزه «مطالعات اشیا» نیز نکات قابل توجهی به همراه دارد.

بر این اساس، در ترجمه متن نیز چاره‌ای جز حرکت آهسته و پیوسته نداشتیم، چرا که ما نیز هم‌زمان با برگردان آن به زبان فارسی مشغول یادگیری و رفع ابهام بودیم. تلاش ما بر این بود که در معادل‌گذاری‌ها منعطف باشیم تا فشرده‌گویی و دشوارنویسی مؤلف، در ترکیب با ناشناخته بودن مباحث، خواننده کتاب را آزار ندهد. به همین دلیل، برای واژگانی چون Field و Context، بسته به موقعیت متن، معادل‌های متفاوتی را به کار بردیم. امیدواریم ادبیات «انسان‌شناسی دیزاین» بیش از پیش شناخته شود و در کوشش‌های آتی، زبان و مفاهیم آن، بهترین معادل‌ها و تعابیرشان را بیابند.

از ساعد مشکی که خود پیشنهاد ترجمه کتابی درباره «انسان‌شناسی دیزاین» را داد و در تمام این مدت مشفقانه پیگیر به نتیجه رساندن آن بود قدردانی می‌کنیم. محمد افتخاری با دقت نظر بسیار ویرایش کتاب را به انجام رساند؛ قدردان زحمات او هستیم. همچنین از محمد رضایی به جهت پیشنهادات سودمندی که در جریان ترجمه مطرح کرد کمال تشکر را داریم. با این همه، بی‌تردید مسئولیت همه کاستی‌ها بر عهده مترجمان است.

هدف این کتاب، کمک به پژوهش‌های جاری و ارائه تصویری از میدان چندرشته‌ای انسان‌شناسی دیزاین است؛ میدانی «در حال بالندگی» که از تلاقی و درآمیزی دو رشته متمایز به وجود آمد. زوی آناستاساکیس و باربارا ژانیتسکی (۲۰۱۶) توصیفی از این رویکرد منحصر به فرد به نظریه و عمل به دست دادند که ناشی از تغییرات عمده در هر دو حوزه بود:

بنابراین، گرچه انسان‌شناسی از رهگذر مردم‌نگاری، کرداری توصیفی است، انسان‌شناسی از رهگذر دیزاین، کرداری ناظر بر انطباق و سازگاری است که، با این وجود، نباید محدود و منحصر به آن دست پیش‌گویی‌هایی که دیزاینرهای سنتی انجام می‌دادند شود. برای حرکت از پیش‌گویی به سوی انطباق و سازگاری، نقطه تأکید باید از توجه صرف به مسئله فرم، به سمت فرایند ساخت و ترکیب برود. از این منظر، خلاقیت دیزاینی، نه متکی بر بداعت راه‌حل‌های از پیش تعیین‌شده، بلکه متکی بر توانایی ساکنین گیتی در مواجهه با شرایط در حال تغییر زندگی است (۲۰۱۶: ۱۲۴-۱۲۵).

کارهای بایسته‌ای تاکنون برای شناسایی قابلیت‌ها و چالش‌های انسان‌شناسی دیزاین انجام شده است. اعضای شبکه انسان‌شناسی دیزاین، شامل آکادمی سلطنتی هنرهای زیبای دانمارک، دانشگاه آرهوس و دانشگاه ساوثرن دانمارک، در یک همکاری جسورانه، به گسترش شبکه دانشوران-فعالان خود پرداخته‌اند تا بتوانند در پی مضامینی باشند که به «بازاندیشی دیزاین در چشم‌انداز زمانی آینده» بینجامد (کیائرسگارد و دیگران، ۲۰۱۶: ۵) و نگاه انسان‌شناختی را به نحوی تغییر دهد که «مردم‌نگاری‌های امر ممکن» را دربرگیرد (هالس، ۲۰۱۳: ۱۸۲-۱۸۳) و از طریق آزمون‌گری، نظرورزی و بداهه‌پردازی‌های مشارکتی تصویری از آن را مجسم سازد.

یاری‌های دیگری که به انسان‌شناسی دیزاین شده است، از حوزه‌های مختلفی بوده است، از جمله شبکه و همایش اپیک (مشارکت آموزشی برای نوآوری در اجتماعات) که بستری برای به اشتراک گذاشتن دانش در میان گروه‌های مختلفی از انسان‌شناسان، دیزاینرها و مردم‌نگارانی که در عرصه‌های کسب‌وکار، حکمرانی و سازمان‌های غیرانتفاعی فعالیت می‌کنند فراهم آورده است. گروه آنتروپودیزاین در [شرکت] یاهو که در سال ۲۰۰۲ به وسیله ناتالی هانسن پایه‌گذاری شد یک بستر اشتراکی کاری است که چنان رشدی داشته که قریب سه‌هزار عضو را دربرمی‌گیرد (هانسن، ۲۰۱۷) و فضایی مجازی برای دیدارها و تبدلات فراهم کرده است.

نگارش این کتاب همچون سیر شخصی‌ای بود که باعث شد در مسیر دانشگاهی و حرفه‌ای نامتعارفم، دست به بازنگری بزنم. به عنوان کسی که هرگز نمی‌توانست خود را با یک مسیر رشته‌ای واحد سازگار کند، پذیرش انسان‌شناسی

دیزاین، حس فوق‌العاده‌ای داشت. فرصت کار گروهی با ذی‌نفعان برای حرکت به فراسوی شیوه‌های سنتی مشاهده، گزارش‌دهی و تجویز راه‌حل‌ها، به‌منظور تسهیل ساخت مشارکتی آینده؛ توأمان هیجان‌انگیز، توان‌افزا و فروتنانه بود.

گاهی اوقات چنین به نظر می‌رسد که فعالیت در سطح مردم و زندگی روزمره آن‌ها امری منسوخ‌شده و تحت‌الشعاع روندهای جاری در زمینه داده‌های بزرگ قرار دارد؛ یعنی داده‌سختی که توسط تحلیل‌های آماری و منطق الگوریتمی تولید می‌شود و به صورت روزافزون منشأ تصمیم‌گیری‌ها می‌شود. با این حال باید به خود یادآور شویم «این‌که تا چه میزان داده‌های سخت در اختیار داریم، اهمیتی ندارد. اگر چشم‌اندازی نداشته باشیم که متضمن رفتار انسانی باشد، دریافت و بینش ما فاقد قدرت است» (مدسبرگ، ۲۰۱۷: X). آمیختن روش‌ها، نظریه و کردارهای موجود در انسان‌شناسی و دیزاین، سبک دانستن – ابزارهایی برای حصول دانش عمیقاً زمینه‌مند رفتار انسانی – و شیوه ساختنی را به وجود می‌آورد که خلاقیت دیزاینی را برای پاسخ‌گویی به شرایط دائماً تغییریابنده حیات جمعی و فردی به کار گیرد.

انسان‌شناسی دیزاین به رشد خود «به مثابه میدانی که به نوبه خود دارای انسجام و پیوستگی است... و هم منابع موجود را تقویت کرده و هم آن را به نحو اساسی به چالش می‌کشد» (مورفی و مارکوس، ۲۰۱۳: ۲۵۱) ادامه می‌دهد. هدف این کتاب، گشایش و گسترش مباحثات، به منظور به‌کارگیری مشارکت‌کنندگان حاضر و جذب مشارکت‌کنندگان جدید است؛ به طوری که اجتماع یادشده، برقرار و پابرجا باشد.

حتی اگر این نکته را بپذیریم که بی‌نظمی، الگوها را ضایع می‌کند، در عین حال، مواد و مصالحی برای تحقق همان الگوها نیز فراهم می‌آورد. نظم مستلزم محدودیت است؛ از میان امکان‌های مقدور، گزینش‌های محدودی به عمل می‌آیند و از میان همه نسبت‌های ممکن، مجموعه محدودی از آن‌ها به کار بسته می‌شوند. بنابراین، بی‌نظمی به طور ضمنی به معنای عدم محدودیت است؛ به این معناست که هیچ‌الگویی درون آن شناسایی نشده، اما قابلیت بالقوه الگویابی آن نامحدود است. این‌که چرا ما به رغم آن‌که در پی ساختن نظم هستیم، به همین آسانی بی‌نظمی را کنار نمی‌گذاریم، از همین روست. ما می‌دانیم که بی‌نظمی برای الگوهای موجود، امری مخرب است اما در عین حال، قابلیت‌های بالقوه دارد. بی‌نظمی به نحوی نمادین هم نشانه قدرت است و هم مظهر خطر.

(داگلاس، ۲۰۰۲: ۱۱۷)

در جهانی که زمین زیرپای ما پیوسته در حال تغییر و دگرگونی است، پذیرش روند «به چالش کشیدن مرزها» آسان است؛ به ویژه به چالش کشیدن مرزهای رشته‌ای. با این همه، رشته‌ها، پدیدارهایی غیرطبیعی در جهان اجتماعی ما هستند. آن‌ها در جهان طبیعی وجود ندارند. آن‌ها از این نظر که برای تعیین حدود یک میدان تخصص و کار حرفه‌ای طرح‌ریزی می‌شوند، «برساخته‌هایی اجتماعی» هستند که درکی مشترک از معانی و مفاهیمی که درون یک گروه مطرح می‌شود، به وجود می‌آورند (برگر و لاکمن، ۱۹۶۷). در بسیاری از حوزه‌ها، انبوهه‌ای از کردارهای رشته‌ای، شروع به واپس‌روی می‌کنند و مرزهای [رشته‌ای] رسوخ‌پذیری به وجود می‌آورند که امکانی برای مواجهات میان رشته‌ای است. این همان جایی است که قلمروهای دانش تخصصی ظهور و بروز یافته و گسترش می‌یابند. شاهد مثالی از این [قلمروهای دانش تخصصی]، مهندسی بیوشیمی یا انسان‌شناسی کسب‌وکار و دیزاین است. زوال مرزهای رشته‌ای که سابقاً به روشنی تعریف شده بودند، نیاز به تبیین این رشته‌های درآمیخته‌ای را که به نظر دور از ذهن و بعید می‌نمایند، یادآور می‌شود. ما با یک امر آگزوتیک جدید روبه‌رو هستیم: غریب، نامتعارف و حتی به جهاتی شگفت‌انگیز.

قلمروهای آمیخته‌ای که از این شرایط منتج می‌شوند این چالش را به وجود می‌آورند که [با این اوصاف] ما چگونه می‌توانیم هویت خود را شناسایی و عرضه کنیم؟ درون فضاها، مسئله شناسایی و عرضه هویتی، بسته به زمینه و موقعیت، خاص‌بودگی‌های خود را دارد. اگر من در جمع انسان‌شناسان هستم احتمالاً خود را انسان‌شناس دیزاین یا کسب‌وکار معرفی می‌کنم. اگر در میان

گروهی از دیزاینرها هستم نتیجتاً خود را به عنوان انسان‌شناس معرفی می‌کنم. اگر در آن جمع تصمیم بگیرم خود را انسان‌شناس دیزاین معرفی کنم، مسائل به سرعت بغرنج می‌شوند. در حلقه‌های انسان‌شناسی، این شکل از معرفی برخوردارهای گوناگونی را به همراه دارد. دیزاینرها ممکن است تمایل بیشتری به پذیرش این هویت داشته باشند اما نسبت به این‌که من واقعاً یک دیزاینر هستم یا خیر، بسیار ظنین خواهند بود. آدم‌های حوزه کسب‌وکار، در ابتدای امر، با شگفتی از این‌که یک انسان‌شناس در آن حوزه چه می‌کند، احتمالاً دچار سردرگمی می‌شوند اما معرفی خود به عنوان انسان‌شناس دیزاین در چنین جمعی؟ نه! این دیگر خیلی دور از ذهن می‌نماید؛ به ویژه در ایالات متحده‌ای که انسان‌شناسی دیزاین در معنای دقیق کلمه در دنیای کسب‌وکار و تجارت چندان شناخته شده نیست. حتی اوضاع در خود انسان‌شناسی آمریکا نیز از این بابت، چندان بهتر نیست.

من مدافع بازگشت به سوی آن فارغ‌بالی‌آشنای ناشی از مرزبندی‌های سفت و سخت رشته‌ای نیستم. به همان سان مدافع به راه انداختن کارزاری برای اقدام مخالفت‌جویانه<sup>۱</sup> علیه تخطی‌گران بالقوه مرزهای رشته‌ای و آنانی که مفاهیم و روش‌ها را چنان که خود می‌خواهند به کار می‌بندند نیز نیستم. این‌که بی‌نظمی، تولید آشوب و هرج و مرج می‌کند نکته واجد اهمیتی نیست. قصد من فراهم ساختن بستری برای بازگویی شرحی دیگر از این داستان است – این‌که چرا و چگونه حوزه انسان‌شناسی دیزاین به وجود آمده است و در حال حاضر چه وضعیتی دارد و چه مسیرهایی را در آینده ممکن است به خود ببیند. انجام چنین کاری مستلزم آن است که پیش از هر چیز، به برخی از پرسش‌های اساسی پردازم.



انسان‌شناسی دیزاین چیست؟ ادغام پرسش‌ها و مسائل انسان‌شناختی با کار دیزاین - به ویژه در زمینه‌های خاص - چگونه ممکن است رخ دهد؟ دلیل این‌که شاغلان و دانشوران انسان‌شناسی دیزاین خود را به معنای دقیق کلمه بازنشاسی می‌کنند چیست؟ انسان‌شناس دیزاین بودن به چه معناست؟ انسان‌شناسان دیزاین این معنا را برای خودشان و نیز شاغلان و دانشوران خارج از حوزه خودشان و حوزه عمومی چگونه توضیح می‌دهند و این‌که چرا این کار [انسان‌شناسی دیزاین] واجد معنا، اهمیت و ضرورت است؟ علاوه بر این، انسان‌شناسان دیزاین، ارزش منحصر به فرد موجود در کارهایشان را چگونه به همکاران و ارباب رجوع‌شان نشان می‌دهند؟ این نقطه آغاز داستان است.

#### این کتاب درباره چیست؟

این کتاب درباره حوزه میان‌رشته‌ای انسان‌شناسی دیزاین و نیروها و شرایط فراگیری است که به پیدایش آن باری رسانده‌اند؛ درباره افرادی است که در پیدایش آن نقش داشته‌اند و احتمالاً آینده آن را شکل خواهند داد؛ درباره تطوّر دو رشته انسان‌شناسی و دیزاین و همگرایی‌هایی است که در عرصه‌های تجاری، اجتماعی و سازمانی می‌توانند با یکدیگر داشته باشند؛ درباره ابداع و اشاعه تجربه‌های جدید، زمینه‌مندسازی مجدد پژوهش‌های مردم‌نگارانه حوزه دیزاین، درآمیزی پژوهش و عمل انسان‌شناختی و دیزاین و حرکت به سوی یک انسان‌شناسی دگرگونی‌پذیر و مداخله‌ای است؛ در این باره است که چگونه مواجهات میان انسان‌شناسی و «شیوه‌های دیزاین‌گونه دانستن» (کراس، ۲۰۰۶) و نیز شیوه‌های اندیشه و عمل در دیزاین، بر نحوه تطوّر هر دو رشته تأثیر گذاشته

است و در نهایت، درباره حرکت به سوی رسمیت‌بخشی به حوزه نحیف انسان‌شناسی دیزاین است؛ این‌که رابطه میان این دو حوزه در آینده‌ای معین، چگونه می‌تواند به گسترش نیروهای عام پویایی بینجامد که به تداوم تأثیرگذاری بر هر دو رشته منتهی شود.

هدف این کتاب فراتر رفتن از توضیح پیامدهای «دیزاین متکی بر آگاهی مردم‌نگارانه» (بلومبرگ و بورل، ۲۰۰۹) است که مشخصه رویارویی‌های نخست انسان‌شناسان و دیزاینرها بود؛ و نیز فراهم آوردن امکانی برای کندوکاو در پراکسیس حاضر است که انسان‌شناسان را از نقش‌های سنتی‌شان به عنوان مشاهده‌گران مشارکتی، حامیان و منتقدان خارج کرده است. توصیفات مجمل که به تدریج در طی زمان روشن می‌سازند چگونه تلفیق نگاه انسان‌شناختی با اصول و کردارهای دیزاین به ظهور «سبک دانستن» جدید و متفاوتی (اتو و اسمیت، ۲۰۱۳) منجر می‌شود. این کتاب تا حدی در پی مذاقه در کردارها و پراکسیسی<sup>۲</sup> است که معرف کار انسان‌شناسی دیزاین هستند: چشم‌اندازها و چهارچوب‌هایی که برای دست‌یازیدن به مسائل و روش‌هایی که انسان‌شناسی دیزاین به منظور گردآوری، تحلیل و سنتز یافته‌ها به کار می‌برد، مورد استفاده قرار می‌گیرند. این یافته‌ها مجالی برای مداخله و تحول در زندگی روزمره مردم، هم در ارتباط‌شان با یکدیگر و هم در ارتباط با پهنه گیتی، به وجود می‌آورند.

نوشته‌های بسیاری درباره آن دسته از تحولات انسان‌شناسی که منجر به حرکت پراکسیس انسان‌شناختی به سمت عرصه‌های سازمانی و تجاری شده، موجود است (برای مثال بنگرید به: رابینسون، ۱۹۹۴؛ واسن، ۲۰۰۰؛ بلومبرگ و بورل، ۲۰۰۹؛ سفکین، ۲۰۰۹؛ ساچمن، ۲۰۱۱). با این حال، توجه نسبتاً اندکی در

زمینه آمریکایی، معطوف به پیدایش «انسان‌شناسی دیزاین» به مثابه «سبک متمایز دانستن» (اتو و اسمیت، ۲۰۱۳: ۱۰)، یادگیری و انجام کار بوده است. انسان‌شناسی دیزاین محصول تلفیق نگاه انسان‌شناختی و کردارهای دیزاین و همکاری فرارشته‌ای دیزاینرها و انسان‌شناسان بوده است. در نتیجه این کوشش‌های همیارانه شبکه در حال گسترش انسان‌شناسان، دیزاینرها و مردم‌نگاران، انسان‌شناسی دیزاین به عنوان حوزه‌ای نوپدید شناخته می‌شود که دربردارنده شکل متمایز و منحصربه‌فردی از تحقیق مردم‌نگارانه و تحلیل فرهنگی است. متمایز و منحصربه‌فرد بودن آن به این علت است که از یک چشم‌انداز مداخله‌ای و گشتاری نیت‌مندانه برخاسته است. به رغم این‌که این شبکه‌های همکاری در سراسر جهان وجود دارند، چند نمونه از مراکز عمده فعالیت، آموزش و دانش‌پژوهی را می‌توان شناسایی کرد که مشخصاً برای تعیین حدود و مفصل‌بندی میدان [دانش] به وجود آمده‌اند.<sup>۳</sup> این میدان به معنای دقیق کلمه، «نویا»ست (اتو و اسمیت، ۲۰۱۳: ۱۱). گرچه تعداد فعالان و دانشوران آن در ایالات متحده که به‌صراحت خود را انسان‌شناس دیزاین می‌شناسند رو به افزایش است اما همچنان عدد کوچکی را نشان می‌دهد. با این‌که حوزه کاری انسان‌شناسان دیزاین به‌وضوح فرارشته‌ای است اما کار آنان اغلب به عنوان زیرمجموعه انسان‌شناسی کسب‌وکار دانسته می‌شود. شناسایی این میدان [دانش] در ایالات متحده به عنوان «سبک متمایزی از دانستن» که به وسیله کردارها، روش‌ها و مجموعه رو به رشدی از نوشته‌ها در این حوزه مشخص شود، هنوز با رسیدن به آن سطحی که در دیگر نقاط جهان، به‌ویژه در اروپا وجود دارد، فاصله دارد.

با به‌خاطر سپردن این نکته، هدف از نگارش این کتاب، اشاعه و مفصل‌بندی انسان‌شناسی دیزاین به مثابه میدان متمایزی از پژوهش و تولید دانش است که بازنمایاننده مسیر رو به تکاملی است که از دل علوم اجتماعی و به‌ویژه انسان‌شناسی طی کرده است. قصد من در این‌جا، فراچنگ آوردن و تجمیع سرخ‌های برجای‌مانده از کوشش‌های پیشین در تحقیقات مردم‌نگارانه معاصر و ساختن پیکره‌ای بالنده از ادبیات این حوزه است که به پیشبرد فهم ما از تحلیل فرهنگی موقعیت‌های اجتماعی، تجاری و سازمانی بینجامد. رشته خطوط بسیاری وجود دارند که با قرار گرفتن در کنار یکدیگر، آنچه را که ما «انسان‌شناسی دیزاین» می‌نامیم شکل می‌دهند. هدف ما در این‌جا، گردآوردن این رشته خطوط در کنار یکدیگر به شیوه‌ای معنادار و منسجم است.

این کتاب در پیوند با کوشش‌های پیشین و حاضر، سه هدف دارد: اول، کندوکاوی از چشم‌انداز ایالات متحده: نیروها و شرایطی که منجر به تطور دیزاین و انسان‌شناسی شدند و آن‌ها را در حوزه‌های تجاری، سازمانی و نهادی در مواجهه محتمل — اگر نگوئیم اجتناب‌ناپذیر — با یکدیگر قرار دادند. دوم، به دست دادن توصیفی از ظهور انسان‌شناسی دیزاین به مثابه صورت منحصربه‌فردی از پراکسیس؛ و در نهایت، کوشش همیارانه در شکل بخشیدن به چشم‌اندازی برای انسان‌شناسی دیزاین به عنوان یک «اجتماع عملی» جهان‌شمول که خود، دربردارنده «شبکه‌های نوآوری گروهی» در ابعاد محلی باشد.

این کتاب برای چه کسانی است؟

این کتاب با در نظر داشتن طیف وسیعی از مخاطبان نوشته شده است و با